افق‌های نو در زبان‌شناسی قرآن

تحلیل نحوی، معنایی و سبکی

حسین عبدالرئوف

■

ترجمهٔ رضا مقدم‌کیا و عبدالله کریم‌زاده

نشرنی

فهرست مطالب

پیش‌گفتار مترجمان ۹

پیش‌گفتار نویسنده ۱۵

مقدمه ۱۷

۱. ساخت‌های نحوی کلام قرآن و کنش پس‌بیانی آن‌ها ۲۷

۱.۱ مقدمه ۲۷

۲.۱ ویژگی‌های نحوی ۳۰

۳.۱ ساخت‌های نحوی و کنش پس‌بیانی ۶۲

۴.۱ چکیده ۸۳

۲. تبدیل‌های سبکی معنامند ۸۵

۱.۲ مقدمه ۸۵

۲.۲ تبدیل سبکی کجا روی می‌دهد؟ ۸۶

۳.۲ تبدیل سبکی چرا روی می‌دهد؟ ۸۷

۴.۲ عوامل نحوی ۸۸

۵.۲ عوامل آوایی ۱۰۱

۶.۲ عوامل هم‌بافتی ۱۰۹
۷.۲ عوامل بافتی ۱۱۴
۸.۲ عوامل منظورشناختی ۱۱۸
۹.۲ نادستوری بودن روساختی ۱۱۹
۱۰.۲ چکیده ۱۲۷

۳. تحلیل صرفی ـ معنایی عناصر واژگانی قرآن ۱۲۹

۱.۳ مقدمه ۱۲۹
۲.۳ الگوهای صرفی معنامند ۱۳۰
۳.۳ بافت و واژهای پایان جمله ۱۵۰
۴.۳ تقابل معنایی ۱۵۴
۵.۳ هم‌معنایی در کلام قرآن ۱۷۱
۶.۳ چندمعنایی در کلام قرآن ۱۷۵
۷.۳ اسم فاعل ۱۷۸
۸.۳ عوامل معنایی ۱۸۷
۹.۳ ساخت‌های نحوی معنامند ۱۹۷
۱۰.۳ تفاوت‌های آوایی اقلام واژگانی ۲۰۴
۱۱.۳ چکیده ۲۱۱

۴. تحلیل سبکی کلام قرآن ۲۱۳

۱.۴ مقدمه ۲۱۳
۲.۴ تحلیل زبانی منظورشناختی ۲۱۴
۳.۴ تحلیل زبانی ـ تطبیقی سوره‌های بلند ۲۶۶
۴.۴ برجستگی‌های دستوری و معنایی ۲۷۱

۵.۴ ویژگی‌های بلاغی عمده در کلام قرآن ۲۹۵
۶.۴ چکیده ۳۱۴

۵. توصیف چرخه‌ای در کلام قرآن ۳۱۵

۱.۵ مقدمه ۳۱۵
۲.۵ توصیف چیست و تعریف آن کدام است؟ ۳۱۶
۳.۵ انواع توصیف چرخه‌ای ۳۲۷
۴.۵ تحلیل کاربردی توصیف چرخه‌ای ۳۴۹
۵.۵ جمله‌های امری چرخه‌ای ۳۵۸
۶.۵ بندهای شرطی چرخه‌ای ۳۶۲
۷.۵ بندهای سوگند چرخه‌ای ۳۶۴
۸.۵ بندهای ندایی چرخه‌ای ۳۶۶
۹.۵ چکیده ۳۷۰

۶. نظریه و عمل ترجمه قرآن ۳۷۱

۱.۶ مقدمه ۳۷۱
۲.۶ ترجمه متن قرآن ۳۷۲
۳.۶ موضع متکلمان در مورد ترجمه قرآن ۳۷۴
۴.۶ کلام قرآن و فرهنگ عربی ۳۷۶
۵.۶ دست‌یابی به تعادل در ترجمه ۳۷۹
۶.۶ خلأهای موجود در ترجمه قرآن ۳۸۴
۷.۶ مشکلات ترجمه و تفاسیر قرآن ۴۵۶
۸.۶ ترجمه متشابهات ۴۶۹
۹.۶ چکیده ۴۷۴

۷. تحلیل سبکی و منظورشناختی سوره ۱۸ (کهف) ۴۷۵

۱.۷ مقدمه ۴۷۵

۲.۷ تحلیل زبانی سوره کهف ۴۷۵

۳.۷ چکیده ۴۹۴

فهرست سوره‌های قرآن کریم ۴۹۵

واژه‌نامه ۴۹۷

منابع ۵۰۵

پیش‌گفتار مترجمان

کتاب **افق‌های نو در زبان‌شناسی قرآن** را به این سبب برای ترجمه برگزیدیم که قرآن را در پرتو نظریه‌های نوین زبان‌شناسی و سبک‌شناسی مورد تحلیل قرار داده است. هدفمان این بود که این ابزارهای جدید روش‌شناختی را در دسترس قرآن‌پژوهان ایرانی قرار دهیم تا در پرتو این معرفت‌شناسی جدید نسیم جدیدی در مسیر تحقیقات قرآنی زبان‌پژوهان و ترجمه‌پژوهان کشورمان وزیدن بگیرد. ما معتقدیم که ترجمه کتاب حاضر می‌تواند خلأ معرفتی و روش‌شناختی موجود در مطالعات زبانی قرآن را که در پایان‌نامه‌های دانشگاهی شاهد هستیم پر کند و در این عرصه افق‌هایی نو بگشاید.

آموزه‌های کتاب حاضر و معرفت‌های برآمده از آن، به ویژه تأکید آن بر دلالت‌های سبکی و منظورشناختی آیات قرآن می‌تواند منجر به تحولی بزرگ در ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر و از جمله به زبان فارسی شود. ترجمه‌های موجود از قرآن عموماً تحت‌اللفظی‌اند، یعنی بسیاری از ترجمه‌ها به سطح ترجمه کنش‌های لفظی محدود شده‌اند (به این معنی که معادل‌یابی‌ها صرفاً بر اساس معنی لغوی یا همان معنی صریح هر واژه و بدون توجه به بافت کاربردش انجام شده است) و توان منظوری (معنیِ مقصود) هر آیه و نیز کنش پس‌بیانی آن (یعنی تأثیری که خواننده باید از خواندن هر آیه بپذیرد) نادیده گرفته شده‌اند. پیام کتاب حاضر این است که ترجمه هر آیه باید با توجه به این ملاحظات صورت گیرد. کنش

پس‌بیانی آیات عمدتاً با رعایت ملاحظات سبکی در ترجمه محقق می‌شود. اما بسیاری از ترجمه‌های قرآن تفاوت‌های سبکی را در نظر نگرفته‌اند و کلمات دارای معانی سبکی مختلف را یکسان ترجمه کرده‌اند. همین مسئله باعث شده است که تعادل ترجمه‌ای بین متون مبدأ و مقصد نه فقط در سطوح سبکی و منظورشناختی، بلکه حتی در سطوح نحوی و واژگانی نیز برقرار نشود و به تعبیر ترجمه‌پژوهان، اسکوپوس (هدف، نقش یا کارکرد) ترجمه محقق نشود. مؤلف کتاب تلاش کرده است با در هم آمیختن نظریه و عمل این حساسیت نظری را در میان مخاطبان ایجاد کند.

مؤلف کتاب تلاش کرده است تعادل ترجمه‌ای را که از دیرباز یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات در ترجمه‌پژوهی بوده است، با آوردن شواهد متنی متعدد از آیات قرآن به صورت نظام‌مند و روش‌مند به بحث بگذارد. جهت‌گیری نظری ایشان به طور کلی این است که در ترجمه قرآن نمی‌توان از تعادل مطلق صحبت کرد، چرا که کلام قرآن در سطوح مختلف واژگانی، نحوی، سبکی و منظورشناختی از خلاقیت‌های زبانی منحصربه‌فردی بهره برده است که اساساً باید آن را یک معجزه تلقی کرد و معجزه را نمی‌توان بازتولید و حتی بازآفرینی کرد. مترجمان قرآن به هنگام ترجمه این شاهکار در همه سطوح زبانی با سد بزرگی به نام «ترجمه‌ناپذیری» مواجه می‌شوند. لذا در سنت تاریخ ترجمه قرآن راهبرد «متون موازی» به مثابه یک هنجار مطرح بوده است. به موجب این راهبرد، متن مبدأ و مقصد باید در همان صفحه و یا در صفحه مقابل به موازات هم قرار بگیرند. دلالت نظری این هنجار این است که رابطه متن مبدأ و مقصد مثل رابطه اصل و کپی است. همان‌طور که کپی نمی‌تواند جایگزین اصل شود، ترجمه قرآن نیز نمی‌تواند جایگزین متن اصلی آن شود.

مترجمان قرآن علاوه بر مسئله «ترجمه‌ناپذیری» با مسئله «مشروعیت ترجمه قرآن» نیز مواجه بوده‌اند و این دو موضوع به هم گره خورده‌اند. در این خصوص، نظریه‌های متعددی مطرح شده است که می‌توان همه را ذیل دو مقوله دسته‌بندی کرد: نظریه‌های تند و نظریه‌های ملایم. دسته اول معتقدند که قرآن اساساً ترجمه‌ناپذیر است و هر ترجمه‌ای از قرآن نامشروع است و استدلال‌شان آیه دوم سوره یوسف است: «إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا». بر این اساس، استدلال می‌کنند که مسلمانان باید قرآن را به زبان عربی بخوانند و بفهمند. از

نظر آنان، ترجمه صرفاً نقش تفسیر را ایفا می‌کند و نمی‌تواند جایگزین متن اصلی شود. اما گروه دوم ترجمه قرآن را مجاز و مشروع می‌دانند مشروط به این‌که در عنوان آن اشاره شود «ترجمه معانی قرآن» نه «ترجمه قرآن». مثلاً وقتی پیکتال می‌خواست قرآن را به انگلیسی ترجمه کند، ابتدا با او مخالفت شد و دانشگاه الأزهر فقط زمانی رضایت داد که مطمئن شد پیکتال آن را نه «ترجمه قرآن»، بلکه «ترجمه معانی قرآن» خواهد نامید. پژواک این دغدغه تاریخی که حتی به یک فتوای دینی تبدیل شده است، در سرتاسر این کتاب بازتاب دارد و مؤلف سعی دارد با توسل به نظریه‌های مدرن زبان‌شناسی از این فتوا دفاع کند.

همان‌طور که خود مؤلف اشاره کرده است، گروه‌های مختلف حوزوی و دانشگاهی که با تحلیل لایه‌های متعدد متن قرآن سروکار دارند، مخاطب هدف این کتاب هستند از جمله استادان و دانشجویان رشته‌های زبان‌شناسی، ادبیات عرب، مترجمی زبان عربی، مترجمی زبان انگلیسی، علوم قرآنی و رشته‌های مرتبط. آنان می‌توانند از روش‌شناسی این کتاب برای نوشتن پایان‌نامه‌ها و مقالات پژوهشی نوآورانه استفاده کنند، زیرا چنان‌چه پیش‌تر گفتیم این کتاب برای تحلیل زبانی قرآن از جدیدترین نظریه‌ها و مفاهیم زبان‌شناسی بهره برده و امکان بازاندیشی در متن قرآن را از منظر نظریه‌های جدید زبان‌شناسی فراهم کرده است.

مؤلف کتاب آشنایی خوانندگان با مفاهیم بنیادی زبان‌شناسی جدید را بدیهی فرض کرده است، اما چون مخاطبان متنوع ترجمه فارسی آن به گروه‌های علمی و فرهنگی متفاوتی تعلق دارند، ممکن است در برخی مفاهیم شکاف معرفتی وجود داشته باشد. برای پر کردن این شکاف، در متن ترجمه به دو راهکار متوسل شدیم:

۱ سعی کردیم اصطلاحات و مفاهیم زبان‌شناختی را با ارائه توضیحات در پانوشت تا حد ممکن برای همه فهم‌پذیر کنیم؛

۲ در جریان ترجمه، بیشتر از معادل‌هایی استفاده کردیم که به طور سنتی در مطالعات صرف و نحو عربی و بلاغت‌شناسی کلاسیک عربی رایج بوده‌اند. درواقع، در کار معادل‌یابی برای اصطلاحات، خود را به «اصل تقدم سابقه» پایبند دانسته‌ایم. برای مثال، درحالی‌که امروزه در کتاب‌ها و فرهنگ‌های زبان‌شناسی به معادل «وجه وصفی معلوم» برای عبارت «active participle» برمی‌خوریم، ما معادل «اسم فاعل» را برگزیدیم تا

برای خوانندگان آشناتر باشد. و یا با این‌که امروزه «ساخت‌واژه» در زبان‌شناسی معادل رایج برای «morphology» است، ما ترجیح دادیم از همان واژه «صرف» استفاده کنیم. با این حال، در مورد برخی اصطلاحات زبان‌شناختی که معادل قدیمی برای آن‌ها وجود نداشت کوشیدیم از رایج‌ترین معادل‌های موجود در حوزه زبان‌شناسی استفاده کنیم. برای مثال، برای واژه «کنش» و ترکیبات دیگری که با این واژه در متن به کار برده شده است، همان‌طور که در پانوشت ۵ صفحه ۲۹ توضیح داده‌ایم، از بین معادل‌های متعددی که در متن‌های مرتبط به چشم می‌خورد مناسب‌ترین و رایج‌ترین آن‌ها را برگزیدیم.

چند نکته فنی دیگر درباره ترجمه کتاب

۱ برای ترجمه فارسی آیات مورد اشاره در متن کتاب، از ترجمه فولادوند استفاده کردیم. دلیل این انتخاب این بود که می‌خواستیم از ترجمه‌ای استفاده کنیم که از نظر اصحاب مطالعات تطبیقیِ ترجمه‌های ممتاز قرآن حداکثر وفاداری را به متن اصلی در هر چهار سطح واژگانی، نحوی، سبکی و منظورشناختی داشته باشد. پس از بررسی پیشینه ادبیات پژوهشی موجود در این زمینه به ترجمه فولادوند رسیدیم. بنابراین، این انتخاب با پشتوانه علمی بوده است.

۲ در متن کتاب اصلی، برای ثبتِ سوره‌ها از حرف س به همراه شماره سوره مربوط و برای نشان دادن شماره آیه مورد نظر از عدد استفاده شده است. مثلاً، آیه شماره ۱۶۳ از سوره بقره «وَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ» به صورت «س۲:۱۶۳» ضبط شده است. که در آن س۲ نشانگر شماره سوره و عدد ۱۶۳ بعد از دو نقطه نشانگر آیه مربوط است. به دلیل کثرت ارجاعات به سوره‌ها و آیات قرآن در کتاب اصلی برای پرهیز از طولانی شدن متن ترجمه، مترجمان ترجیح دادند به‌جز در مواردی در فصل ۶ (که ذکر نام سوره به خواننده در فهم سریع مطلب کمک می‌کند) از همان شیوه نویسنده در کتاب اصلی استفاده کنند و به جای ذکر نام سوره به ذکر شماره آن اکتفا کنند. جهت سهولت دسترسی خوانندگان، فهرست سوره‌های قرآن در پایان کتاب آورده شده است.

۳ نکته دیگر مربوط می‌شود به ثبت مصوت‌ها و صامت‌ها در متن ترجمه. از آن‌جا که بین

حروف الفبا و آواهای زبان رابطه یک‌به‌یک برقرار نیست و حتی گاه برای برخی صامت و مصوت‌ها (مثلاً برای مصوت‌های کوتاه a، e، o) نشانه‌ای در الفبا موجود نیست، مترجمان بنا را بر این قرار دادند که در متن ترجمه نیز از همان نشانه‌های آوایی مورد استفاده در کتاب اصلی برای نشان دادن مصوت‌ها و صامت‌ها استفاده کنند.

۴ در مواردی در متن کتاب عموماً هنگامی که نویسنده درباره ترجمه‌ناپذیری قرآن بحث می‌کند، در جریان توضیح ترجمه انگلیسی آیات قرآن مکرر به تفاوت ساختاری و فرهنگی بین دو زبان انگلیسی و عربی اشاره می‌کند و متذکر می‌شود که در ترجمه مثال‌های قرآنی به زبان انگلیسی ممکن است ساخت زبان عربی منتقل نشود. در این موارد مترجمان مطابق معمول ترجمه فارسی آیات و مثال‌های قرآنی را از ترجمه فولادوند نقل کرده‌اند اما در اولین مورد در پانوشت ذکر شده است که این تفاوت‌ها در مورد زبان فارسی و عربی هم صدق می‌کند و ممکن است برخی ویژگی‌های زبان عربی به فارسی منتقل نشده باشند یا انتقال آن‌ها نیازمند ایجاد تغییرات یا افزودن عناصری به متن ترجمه باشد. دلیل این امر این است که زبان‌های مختلف پدیده‌های جهان خارج را به شیوه‌های متفاوت تجزیه یا بازنمایی می‌کنند و درنتیجه مقولات هیچ دو زبانی از نظر ساختاری بر یکدیگر منطبق نیستند. از سوی دیگر، کاربرد زبان در یک بستر فرهنگی روی می‌دهد و درنتیجه به سبب تفاوت فرهنگ‌ها کاربرد زبان‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است. از این رو، خواننده فارسی زبان نیز در مواجهه با این موارد خود باید تفاوت‌های مورد نظر در ساختار و کاربرد دو زبان فارسی و عربی را از متن بازیابی کند و مورد توجه قرار دهد.

۵ هر کتابی در کنار نقاط قوت خود ممکن است نقاط ضعفی هم داشته باشد. یکی از نقاط ضعف کتاب حاضر تکرار است. نویسنده برخی مطالب پیش‌زمینه‌ای را چند بار تکرار کرده است. یک نمونه آن داستان موسی و خضر است که در فصل‌های مختلف توضیح داده شده است. درحالی‌که در بار دوم و سوم می‌توانست فقط نکته جدید مورد نظرش را بگوید و برای آگاهی از موضوع داستان خواننده را به اولین باری که داستان توضیح داده شده است ارجاع دهد. همچنین، در همین داستان درباره صورت

کامل فعل که در عربی به آن صورت ثقیل گفته می‌شود توضیح داده شده است. از این رو، در فصل ۶ این امکان وجود داشت که صرفاً عبارت صورت کامل یا سنگین را به کار ببرد و توضیحات را تکرار نکند.

۶ علاوه بر مسئله تکرار، گاه شاهد برخی خطاهای فنی هستیم. برای مثال، دست‌کم در یک مورد آواها و حروف الفبا با یکدیگر آمیخته شده‌اند. نویسنده محترم در تحلیل صورت‌های آواییِ بافت‌وابسته، تعداد حروف را مبنا قرار داده است نه تعداد آواها را: (تَسْتَطِیعَ) و (تَسْتَطِعْ). این دو کلمه از نظر تعداد آوا یکسان‌اند، اما در تعداد حروف متفاوت‌اند. نویسنده صورت (تَسْتَطِیعَ) را به دلیل تعداد حروف بیشتر ثقیل محسوب کرده است، اما همان‌طور که پیش‌تر گفتیم دلیل کمتر بودن تعداد حروف در (تَسْتَطِعْ) این است که برای مصوت‌های کوتاه در الفبای عربی حرف وجود ندارد (این مصوت‌ها صرفاً با اعراب نمایش داده می‌شوند). از این رو، صورت (تَسْتَطِیعَ) صورت ثقیل محسوب می‌شود اما نه به دلیل تعداد حرف بیشتر بلکه به دلیل وجود مصوت /ī/ که بلند یا کشیده است (در تقابل با مصوت کوتاه /e/ در تَسْتَطِعْ). مسلماً، این‌گونه خطاها از چشم خواننده آشنا با مباحث زبان‌شناسی پنهان نخواهند ماند و ممکن است برخی تحلیل‌های نویسنده محل مناقشه قرار بگیرند.

در پایان لازم می‌دانیم از شرکت نشر نی به ویژه جناب آقای همائی که برای چاپ هر چه بهتر این کتاب از هیچ‌گونه همکاری دریغ نکردند صمیمانه سپاسگزاری کنیم.

مقدم‌کیا ـ کریم‌زاده

پیش‌گفتار نویسنده

کتاب **افق‌های نو در زبان‌شناسی قرآن** ما را با معارف جدید در پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن آشنا می‌کند و بصیرتمان را دوچندان می‌کند تا دیدی جامع‌الاطراف به چشم‌انداز قرآن داشته باشیم که با مناظر چشم‌نواز معنایی، نحوی و سبکی حصارکشی شده است. در این چشم‌انداز، بافت و مؤلفه‌های معنایی مفردات قرآن چنان درهم‌تنیده‌اند که صورت‌های صرفی را هم تحت تأثیر قرار می‌دهند و مجموعاً سبک‌هایی متلون و رنگارنگ با کنش‌های پس‌بیانی متفاوت پدید می‌آورند. کتاب حاضر اسرار منظورشناختی گفتمان قرآن، تأثیرات عملی کنش‌های گفتاری و نیات کنش‌مند گوینده آن را واکاوی می‌کند و با کاویدن این نیات، رابطه بینافردی میان تولیدکننده و دریافت‌کننده متن را تبیین می‌کند و از خلأهای پربسامد صرفی، نحوی، سبکی، واژگانی، فرهنگی و آوایی قرآن ــ که در افق ژانر قرآن به سان نوک کوه یخ به نظر می‌رسند ــ تحلیلی جامع‌الاطراف به دست می‌دهد. حال که درهم‌تنیدگی برجستگی‌های زبانی و بلاغی قرآن محدودیت‌هایی بر ترجمه‌پذیری آن اعمال کرده است، سؤال این است که «آیا نظریه ترجمه می‌تواند این کوه یخ را بشکند و بر پیچیدگی‌های ترجمه قرآن فائق آید؟» کتاب حاضر منبعی ارزشمند برای زبان‌شناسی تطبیقی، مطالعات ترجمه و زبان‌شناسی پیکره‌ای قرآن است.

کتاب **افق‌های نو در زبان‌شناسی قرآن** بر ویژگی‌های منحصربه‌فرد زبانی و سبکی قرآن

پرتوافشانی می‌کند و موضوعات مختلف زبان‌شناختی از قبیل ساختارهای نحوی، حذف به قرینه، هم‌معنایی (ترادف)، چندمعنایی (اشتراک لفظی)، حشو، ناهمخوانی معنایی، تقابل معنایی، قاعده محدودیت گزینش واژگانی، مؤلفه‌های معنایی، همایندها، توصیف چرخه‌ای، مقدم‌سازی و مؤخرسازی، نقش‌های منظورشناختی، انواع تبدیلات سبکی، تمایز منظورشناختی بین جمله‌های اسمیه و فعلیه، ویژگی‌های صرفی ـ معناییِ مفردات قرآن، ترتیب واژگانی وابسته به بافت، اعراب‌گذاری واژه‌ها و تغییرات آوایی آن‌ها را تبیین می‌کند.

کتاب **افق‌های نو در زبان‌شناسی قرآن** برای فتح بازارهای جهانی و مخاطبان بین‌المللی طراحی شده است. این کتاب اولین اثر به زبان انگلیسی در حوزه نوپای زبان‌شناسی قرآن است که اینجانب از سال ۲۰۰۱ پایه‌گذاری کرده‌ام. کتاب حاضر یک خلأ پژوهشی را به شیوه‌ای نوآورانه و با روش‌شناسی منسجم پر می‌کند و نیازهای علمی ـ دانشگاهی بازار را در حوزه زبان‌شناسی قرآن برای طیف وسیعی از مخاطبان از جمله پژوهشگران، فضلا و عالمان، و دانشجویان برآورده می‌کند.

مقدمه

درباره این کتاب

کتاب **افق‌های نو در زبان‌شناسی قرآن** اولین کتاب در زمینه زبان‌شناسی قرآن است که سطوح مختلف تحلیل زبانی و سبکی را در بر می‌گیرد. شیوه زبان‌پژوهی این کتاب بر اساس زبان‌شناسی نوین اروپایی است. این کتاب می‌تواند برای دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی، پژوهشگران و صاحب‌نظران زبان‌شناسی تطبیقی، مطالعات ترجمه، زبان‌شناسی پیکره‌ای و مطالعات قرآن مفید و راهگشا باشد.

کتاب **افق‌های نو در زبان‌شناسی قرآن** بصیرت‌هایی دلربا و آموزنده در مورد [زبان] عربی قرآن به دست می‌دهد و تحلیل زبانی، واژگانی و سبکی موشکافانه‌ای فراهم می‌آورد که برای زبان‌شناسی تطبیقی و پیکره‌ای لازم است. این کتاب به نیازهای آموزشی دانشجویان دوره کارشناسی، نیازهای پژوهشی دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی و مطالب آموزشی مورد نیاز اساتید پاسخ می‌دهد.

شالوده‌های کتاب حاضر

کتاب **افق‌های نو در زبان‌شناسی قرآن** بر دو اصل استوار است که با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ دارند و از اهمیتی یکسان برخوردارند. اصل اول بر این حقیقت زبان‌شناختی استوار است که

تحلیل دقیق کلام قرآن باید بر عوامل دستوری، معنایی، سبکی و آوایی حساس ـ به ـ بافت و حساس ـ به ـ هم‌بافت مبتنی باشد. اصل دوم نیز مبتنی بر این حقیقت زبان‌شناختی است که تحلیل موشکافانه قرآن باید در سطوح مختلف تحلیل گفتمان (کلام) صورت بگیرد که عبارت‌اند از: سطح حروف (حروف ربط و حروف اضافه)، سطح واژگان (واژگان دستوری و قاموسی)، سطح گروه نحوی و بند (جمله‌واره) و بالاخره سطح جمله. از همه مهم‌تر این‌که این دو اصل بر سطح منظورشناختی استوارند، چرا که در طول فرایند بحث و تحلیل مثال‌ها، نیت کنش‌مند تولیدکننده کلام، تأثیر ناشی از کنش پس‌بیانی و توان منظوری (ارتباطی) هر یک از کنش‌های گفتاری مدنظر قرار گرفته است.

منطق کتاب حاضر

گرچه «زبان‌شناسی قرآن» یک رشته دانشگاهی جذاب است، به زبان انگلیسی هیچ کتابی در این زمینه منتشر نشده است. این مسئله یک شکاف و خلأ بزرگ در تحقیقات محسوب می‌شود. از همه مهم‌تر این‌که ارزش زبان‌شناسی نظری اروپایی در مطالعات قرآنی نادیده گرفته شده است. در قرآن‌پژوهی می‌توان از دستاوردهای زبان‌شناسی نظری بهره بُرد. از این رو، کتاب **افق‌های نو در زبان‌شناسی قرآن** را باید برای نیازهای پژوهشی، یادگیری و یاددهی واکاوی کرد و در دانشگاه‌هایی که کرسی مطالعات اسلام دارند، از آن به عنوان منبع درسی استفاده کرد.

بر اساس واقعیت‌های میدانی (کلاس درس) و تجربیات آموزشی و پژوهشی شخصی خودم باید عرض کنم که چنین کتابی برای صاحب‌نظران، پژوهشگران و دانشجویان دانشگاه موجود نیست. این است که انتشار کتابی در مورد زبان‌شناسی قرآن، که از نظر روش‌شناختی منسجم باشد، از ضروریات دانشگاهی است. بازار و جامعه دانشگاهی تشنه کتابی درباره زبان‌شناسی قرآن است که در آن سطوح مختلف تحلیل زبانی و سبکی (حروف، واژگان، عبارات، جمله‌واره‌ها، جمله‌ها، پاراگراف و کل متن) تبیین شده باشد. فقدان چنین کتابی یک خلأ پژوهشی محسوب می‌شود. کتابی درباره زبان‌شناسی قرآن باید

غنی از تحلیل‌های موشکافانه باشد و با تبیین مثال‌های مختلف قرآنی در پرتو زبان‌شناسی نظری بینش و بصیرت ما را دوچندان کند. کتابی در زمینه زبان‌شناسی قرآن که سطوح مختلف تحلیل زبانی را به صورت موشکافانه به بحث گذاشته باشد می‌تواند منبع درسی ارزشمندی برای حوزه‌های پژوهشی زیر باشد:

۱ زبان‌شناسی تطبیقی؛

۲ مطالعات قرآن و عربی؛

۳ مطالعات ترجمه؛

۴ زبان‌شناسی پیکره‌ای.

من بر اساس تجربه تدریس در دانشگاه لیدز و راهنمایی پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری دانشجویان آن دانشگاه از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۲ و اطلاعی که از علاقه‌مندی دانشجویان به زبان‌شناسی قرآن دارم و نیز بر اساس تماس‌هایی که با همکارانم در دانشگاه‌های مختلف خارجی داشتم به این نتیجه رسیده‌ام که برای پر کردن خلأ پژوهشی موجود در رشته زبان‌شناسی قرآن نیاز مبرم به یک کتاب وجود دارد.

کتاب **افق‌های نو در زبان‌شناسی قرآن** در سطح دانشگاه‌های جهان با اقبال مواجه خواهد شد، چرا که یک خلأ بزرگ پژوهشی و نیاز بازار است. فرض من بر این واقعیت‌های دانشگاهی و بازاری استوار است:

۱ علاقه دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی به زبان‌شناسی قرآن و عربی. این واقعیت مبتنی است بر تجربه تدریس من در دانشگاه لیدز.

۲ کتاب حاضر به نیازهای علمی دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی، پژوهشگران و صاحب‌نظران پاسخ می‌دهد.

۳ عده کثیری از دانشجویان تحصیلات تکمیلی، پژوهشگران و صاحب‌نظران مطالعات عربی، مطالعات اسلام، مطالعات قرآن، زبان‌شناسی نظری، زبان‌شناسی پیکره‌ای، تفسیر قرآن و مطالعات ترجمه متقاضی جدی این کتاب‌اند.

۴ کتاب حاضر به ویژه برای زبان‌شناسی تطبیقی و مطالعات ترجمه بسیار ارزشمند

است. این ادعا بر اساس تجربه تدریس من در دانشگاه لیدز و راهنمایی پایان‌نامه‌های دانشجویان ارشد و دکتری است.

۵ دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی از فقدان منبع درسی مربوط به زبان‌شناسی قرآن و عربی مختص قرآن ابراز نگرانی کرده‌اند. من شاهد بوده‌ام که دانشجویان و محققان رشته‌های مطالعات اسلام و عربی مطالب آموزشی منسجمی در اختیار نداشته‌اند.

۶ بسیاری از مباحث مهم زبان‌شناسی در برنامه‌های درسی اغلب دانشگاه‌های جهان از جمله در مالزی، اندونزی، هند، پاکستان، ترکیه، ایران، افریقای جنوبی و امارات که کرسی مطالعات اسلام و [زبان] عربی دارند گنجانده نشده است. لذا، کتاب **افق‌های نو در زبان‌شناسی قرآن** منبعی ارزشمند برای یادگیری و یاددهی است و از نظر روش‌شناختی بسیار منسجم است.

اینجانب که از سال ۱۹۹۳ درس‌هایی چون زبان‌شناسی نظری اروپایی، سبک‌شناسی، مطالعات قرآن و تفسیر قرآن را تدریس کرده‌ام، به این نتیجه رسیده‌ام که کتابی در مورد زبان‌شناسی قرآن نیاز اصلی دانشگاه است. چنین کتابی متقاضی بین‌المللی زیادی خواهد داشت و یک شکاف پژوهشی را پر خواهد کرد.

مرور کتاب حاضر

این کتاب شامل یک مقدمه و هفت فصل نظام‌مند است. تحلیل‌های آن بر زبان‌شناسی نظری اروپایی استوار است.

مقدمه

در این بخش به رئوس کلی مطالب کتاب اشاره می‌شود. به خواننده گفته می‌شود که کتاب حاضر تنها کتاب موجود است، و این‌که کتاب حاضر به کدام نیازهای یادگیری و یاددهی پاسخ می‌دهد، بر چه مفروضاتی استوار است و از چه منطق و ساختاری برخوردار است. فلسفه وجودی این کتاب آشنا ساختن مخاطب با ویژگی‌های منحصربه‌فرد کلام قرآن است.

فصل ۱. ساخت‌های نحوی کلام قرآن و کنش پس‌بیانی آن‌ها

ژانر قرآن برخی ویژگی‌های سبکی و زبانی خصیصه‌نما دارد که مختص قرآن است. در فصل حاضر، فهرست این ویژگی‌های منحصربه‌فرد ارائه شده است. فهرست ساخت‌های نحوی از طریق تحقیقات تجربیِ مبتنی بر تحلیل متنی کلام قرآن استخراج شده است. لذا پژوهشگران زبان‌شناسی تطبیقی بر اساس مباحث این فصل می‌توانند بین عربی قرآنی، عربی استاندارد (فصیح) و زبان‌های اروپایی تمایز قائل شوند. مباحث این فصل برای زبان‌شناسی پیکره‌ای نیز بسیار ارزشمند است. بیش از چهل ساخت نحوی مختص قرآن شناسایی شده است. این ساخت‌ها الگوهای سبکی ژانر قرآن را تشکیل می‌دهند. این ساخت‌های نحوی در سطح خُرد (واژه و جمله) واکاوی خواهد شد. مباحث آموزنده این فصل برای موارد زیر ارزشمند است:

۱ تحلیل تطبیقی بین زبان عربی و سایر زبان‌های اروپایی و غیراروپایی؛

۲ زبان‌شناسی پیکره‌ای؛

۳ ترجمه بین عربی و سایر زبان‌ها.

این فصل همچنین اسرار منظورشناختی گفتمان، کنش پس‌بیانی کنش‌های گفتاری و معنی مقصود گوینده را مورد بحث قرار می‌دهد.

فصل ۲. تبدیل‌های سبکی معنامند[1]

در این فصل عوامل زیر واکاوی می‌شوند:

عوامل نحوی، که منجر به ده نوع تبدیل سبکی می‌شوند: ترتیب واژگانی، حالت‌های دستوری (اعراب کلمات)، شخص، زمان، صیغه مفرد/ جمع، معرفه/ نکره، جنسیت (صیغه مذکر/ مؤنث)، صیغه صرفی، جانشین‌سازی و حذف به قرینه (سبکی و دستوری).

عوامل معنایی، که پنج نوع تبدیل سبکی ایجاد می‌کنند: مؤلفه‌های معنایی، همایندها،

1. semantically oriented

ناهمخوانی معنایی، حشو و عدول از قاعده «محدودیت گزینش واژگانی»[۱].

عوامل آوایی، که چهار نوع تبدیل سبکی ایجاد می‌کنند: همگونی، هم‌صدایی، حالت‌های دستوری (اعراب کلمات) و نام‌آواها.

عومل هم‌بافتی، که سه نوع تبدیل سبکی ایجاد می‌کنند: هم‌بافت دستوری ــ که خود مشتمل بر ۵ نوع تبدیل سبکی است (مقوله دستوری، صورت صرفی، شمار، زمان و ترتیب واژگان) ــ، هم‌بافت واژگانی و هم‌بافت آوایی.

عوامل بافتی، که سه نوع تبدیل سبکی ایجاد می‌کنند: واژگانی، دستوری و ترتیب واژگانی.

عوامل منظورشناختی، که بیانگر عدول از ترتیب واژگانی بی‌نشانِ فعل‌آغازی به ترتیب واژگانی نشاندار اسم‌آغازی است.

تکرار، که چهار نوع تبدیل سبکی ایجاد می‌کند: عناصر واژگانی، عبارت‌های تثبیت‌شده، ترجیع‌بندها و امثال.

نادستوری بودنِ روبنا، که پنج نوع تبدیل سبکی ایجاد می‌کند: شمار (صیغه مفرد/ جمع)، صورت صرفی، جنس دستوری (مذکر/ مؤنث)، حالت‌های دستوری (اعراب کلمات) و ارجاعات پیش‌مرجعی.

فصل ۳. تحلیل صرفی ـ معنایی عناصر واژگانی قرآن

این فصل واژگان هم‌ریشه را که از نظر صرفی با یکدیگر تفاوت دارند تحلیل نحوی و معنایی می‌کند. استدلال اصلی این است که واژگان دارای الگوهای صرفی متفاوت بر معانی متمایزی دلالت دارند. همچنین، جمله‌هایی که در آن‌ها واژگان خاصی استعمال شده‌اند، در این فصل مورد بحث قرار گرفته‌اند. دلایل معنایی زیرساختی برای یک انتخاب سبکی خاص و نیز تأثیر بافت معنایی بر عناصر واژگانی تبیین شده است. مثال‌های مورد بحث نشان می‌دهند که جمله‌های منسجم دستوری گاه نیازمند استعمال کلمه مفرد به جای

۱. ن.ک.: پانوشت ۳ صفحه ۸۲.

جمع، مذکر به جای مؤنث و یا بالعکس‌اند تا انسجام حاصل شود و معنای مورد نیاز پیام تثبیت شود. فصل حاضر موارد زیر را واکاوی می‌کند: الگوهای صرفی معنامند، صفات بافت ـ محور در انتهای جمله، اسم فاعل، عوامل معنایی، مؤلفه‌های معنایی، همایندها، ناهمخوانی معنایی در ژرف‌ساخت، حشو، عدول از قاعده محدودیت گزینش واژگانی، ساخت‌های نحوی معنامند، و صوت و معنی.

فصل ۴. تحلیل سبکی کلام قرآن

این فصل براساس تحلیل متنی کلام قرآن کاوشی موشکافانه ارائه می‌دهد. تحلیل سبکی کلام در دو سطح صورت می‌گیرد:

۱ سطح زبانی که مشکلات دستوری، صرفی، معنایی، آوایی و منظورشناختی را تبیین می‌کند؛

۲ سطح بلاغی که ویژگی‌های بلاغی را تبیین می‌کند.

تمام عناصر زبانی و بلاغی که در متن قرآن آمده‌اند واکاوی خواهند شد. از آن‌جا که برخی از این ویژگی‌های بلاغی مختص زبان عربی است، تحلیل ارزش منظورشناختی آن‌ها می‌تواند مورد علاقه این خوانندگان باشد:

۱ زبان‌شناسان و دانشجویان زبان‌شناسی تطبیقی؛

۲ مطالعات ترجمه؛

۳ زبان‌شناسی پیکره‌ای قرآن.

فصل ۵. توصیف چرخه‌ای در کلام قرآن

این فصل فرایند نحوی توصیف در سطوح گروه نحوی، بند (جمله‌واره) و جمله را می‌کاود. پیش از این، هیچ پژوهشی برای واکاوی این ویژگی منحصربه‌فرد قرآن صورت نگرفته است. از این رو، این فصل یک خلأ پژوهشی را پر می‌کند. کلمه را می‌توان یا با کلمه‌ای دیگر (صفت، وجه وصفی معلوم (اسم فاعل) و وجه وصفی مجهول (اسم مفعول))، و یا

با یک گروه نحوی یا جمله‌واره توصیف کرد. فرایند توصیف دستوری، یک پدیده زبانی جهان‌شمول است. اما در کلام قرآن با یک مورد زبانی منحصربه‌فرد مواجه‌ایم که یک کلمه با استفاده از عناصر توصیفی مختلف به صورت چرخه‌ای توصیف می‌شود.

فصل ۶. نظریه و عمل ترجمه قرآن

این فصل تحلیلی جامع‌الاطراف از معنی‌شناسی کاربردی در پرتو مطالعات ترجمه نظری و عملی ارائه می‌دهد. استدلال آن این است که زبان‌هایی مانند عربی و انگلیسی که از نظر زبانی و فرهنگی با یکدیگر همخوانی ندارند، با مشکل ترجمه‌ناپذیری مواجه‌اند. این مشکل همچنین از این حقیقت ناشی می‌شود که برخی لغات و اصطلاحات مختص زبان مبدأ هستند و هیچ معادلی در زبان مقصد ندارند. با توجه به این مسئله انتظار می‌رود که متن ترجمه دچار ریزش معنایی شود و در موارد زیر با متن مبدأ (متن قرآن) معادل نباشد:

۱ از حیث تأثیر بر خواننده زبان مقصد؛

۲ از حیث الگوهای سبکی؛

۳ از حیث تأثیرات صوتی معنامند.

این فصل مروری است بر مطالعات ترجمه نظری و عملی که در آن مشکلات نحوی، معنایی، صرفی، سبکی، منظورشناختی و آوایی مختص قرآن تبیین شده است. نشان داده شده است که مطالعات ترجمه عبارت است از مطالعه معنی‌شناسی کاربردی و بافت فرهنگ. هدف این فصل تبیین کامل موارد زیر است:

۱ ماهیت ترجمه قرآن؛

۲ مشکلات اصلی ترجمه قرآن؛

۳ رویکردهای اصلی ترجمه قرآن.

این بحث‌ها دانشجویان را قادر می‌سازد که نظریه و عمل ترجمه را در هم آمیزند.

فصل ۷. تحلیل سبکی و منظورشناختی سورهٔ کهف

براساس تحلیل سبکی کل متن قرآن که در فصل چهار انجام داده‌ایم، در این فصل سوره کهف را برای پژوهش‌های آتی زبان‌شناسی پیکره‌ای مدل‌سازی کرده‌ایم. این تحلیل بر برجستگی‌های دستوری، معنایی، صرفی، سبکی، آوایی و بلاغی سوره کهف متمرکز شده و، در عین حال، نقش‌های منظورشناختی آن‌ها را واکاوی کرده است.

کتاب‌شناسی

مباحث هر یک از فصل‌های این کتاب براساس منابع فهرست‌شده در بخش کتاب‌شناسی تهیه شده است. این منابع برای دانشجویان مقاطع مختلف تحصیلی، پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه مطالعات اسلام، قرآن و زبان عربی بسیار ارزشمند است.